





بِسْمِ اللَّهِ  
گفتم که الف گفت در گفتم هیچ  
در خانه اگر کسی است یک حرف بس است  
بارها گفتم ام و بار در میگویم کسیه بداند  
هر که خدا را یار کند خدا بهترین او است  
احتیاج هیچ و عیاض ندارد  
اللهم انزلنا من السماء  
و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته







درمخضر  
آیت النبوی محبت

محمد حسین رشاد

مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی علیه السلام

تلفن: ۰۹۰۳۳۹۸۷۹۹۰، ۳۳۹۸۷۹۹۰ (۰۲۱)

سایت: [www.jelveh.org](http://www.jelveh.org)



**عنوان کتاب:** در محضر بهجت

(بیانات حضرت آیت الله العظمی محمدتقی

بهجت فومنی رحمته الله علیه)

**مؤلف:** محمد حسین رخشاد

**تنظیم و ویرایش:** تحریریه مؤسسه فرهنگی هنری

جلوه نور علوی علیه السلام

**ناشر:** فیض فرزانه

**نوبت چاپ:** اول، ۱۴۰۲

**شمارگان:** ۱۰۰۰ نسخه

**شابک:** ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶-۳۶-۲

**مرکز پخش:** ۰۹۱۲۷۹۷۴۷۵۰

کلیه حقوق مربوط به چاپ و نشر این اثر متعلق

به مؤسسه جلوه نور علوی علیه السلام است.

سرشناسه: رخشاد، محمد حسین، ۱۳۲۴

عنوان و نام پدیدآور: در محضر بهجت/محمد حسین رخشاد.

مشخصات نشر: تهران: فیض فرزانه، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۳۷۶ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶-۳۶-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: در محضر آیت الله بهجت رحمته الله علیه

(بیانات حضرت آیت الله العظمی محمدتقی بهجت فومنی رحمته الله علیه).

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: در محضر آیت الله بهجت رحمته الله علیه

(بیانات حضرت آیت الله العظمی محمدتقی بهجت فومنی رحمته الله علیه).

موضوع: بهجت، محمدتقی، ۱۲۹۴ - ۱۳۸۸.

دیدگاه درباره آداب طریقت

موضوع: Bahjat, Mohammad Taqi

Views on \*customs of the order

موضوع: بهجت، محمدتقی، ۱۲۹۴ - ۱۳۸۸. نقد و تفسیر

موضوع: Bahjat, Mohammad Taqi. Criticism and interpretation

موضوع: آداب طریقت. \*Customs of the order

رده بندی کنگره: BP1۵۳/۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۴۷۰۲۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا



- سخن ناشر ..... ۹
- مبادی سلوک ..... ۱۵  
ذکر ۱۵ / غفلت ۲۹ / یقظه ۳۰ / توبه ۳۲
- در مسیر سلوک ..... ۳۵  
تهذیب و مبارزه با نفس ۳۷ / علم و تعلم ۴۶ / طلاب و حوزه علمیه ۵۳ / تبلیغ طلاب و علما ۵۹
- حقیقت سلوک ..... ۶۵  
مراقبه ۶۷ / عبودیت ۷۲ / گناه نکردن و ترک محرّمات ۷۹ / التزام به شرع مقدس ۸۸ / تقوا و احتیاط ۹۰ / التزام کامل به دین حتی مستحبات ۹۴
- دستورات سلوک ..... ۹۷  
قرآن ۹۹ / نماز ۱۱۵ / نماز شب ۱۲۸
- نفحات سلوک ..... ۱۳۹  
رجب ۱۴۱ / شعبان ۱۴۲ / ماه رمضان ۱۴۴
- لوازم سلوک ..... ۱۴۷  
ابتلائات ۱۴۹ / دعا ۱۵۴ / تواضع ۱۷۵ / خوراک ۱۷۶ / انفاق و کمک به دیگران ۱۸۰ / قناعت و شکر ۱۸۲
- در بستر سلوک ..... ۱۸۷  
رذائل اخلاقی اجتماعی ۱۸۹ / فضائل اخلاقی اجتماعی ۱۹۰ / ازدواج ۱۹۳ / جایگاه خانواده و والدین و تربیت ۱۹۴ / وظائف اجتماعی ۱۹۷ / جامعه و حکومت ۲۰۰

غایت سلوک..... ۲۰۵

مقام شامخ کرامت انسانی / ۲۰۷ / معرفت النفس / ۲۱۳ / ولایت / ۲۱۵ / توحید / ۲۱۶ / فنای فی الله  
و لقاء الهی / ۲۲۳ / توکل / ۲۲۹

مراحل سلوک ..... ۲۳۳

دنیا / ۲۳۵ / مرگ / ۲۴۲

پیشوایان سلوک..... ۲۴۷

انبیای الهی / ۲۴۹ / پیامبر اکرم ﷺ / ۲۵۲ / امیرالمومنین ﷺ و حضرت زهرا ﷺ / ۲۵۸ / امام  
حسین ﷺ و عاشورا / ۲۶۳ / امام رضا ﷺ / ۲۷۰ / حضرات معصومین ﷺ / ۲۷۴ / توجه به  
منابع و گنجینه‌های روایی / ۲۸۳ / اصحاب و امامزاده‌ها / ۲۸۵ / امام زمان ﷺ / ۲۸۸ / دوران  
غیبت / ۲۹۷ / انتظار و دعای فرج / ۳۰۶ / ظهور امام زمان ﷺ / ۳۲۱

سالکان طریق معرفت..... ۳۲۷

فضیلت علما / ۳۲۹ / تقید و تقوای علما / ۳۳۷ / تواضع و فضائل اخلاقی علما / ۳۳۸ / زهد و  
ساده‌زیستی علما / ۳۳۹ / عبودیت و عبادت علما / ۳۴۵ / همت، تلاش و سعی علمی / ۳۴۶ /  
دشمن‌شناسی و سیاست علما / ۳۴۸ / کرامات علما / ۳۵۰ / سخن آخر از توصیه‌های آیت الله  
بهجت رحمته الله علیه / ۳۶۸

منابع و مأخذ..... ۳۷۰



﴿ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَادْخُلِي جَنَّتِي ۗ﴾<sup>۱</sup>

حقیقت انسان، عصاره عالم هستی و مفتخر و مزین به مقام خلافت الهی و نیز مطمئن و منفوخ به روح الهی است. این گوهر بی بدیل با استقرار در مقام نفس مطمئنه بهای خود را نشان می‌دهد و در واقع، اطمینان و طمأنینه نفس، مهم‌ترین ویژگی عالی‌ترین مقام انسانی است. رسیدن به این مقام جز با مجاهدت بسیار و کنار گذاشتن امیال مراتب دون نفس میسر نخواهد شد.

آری! مقصد و مطلوب سیر انسان نیز چیزی جز رسیدن به مقام رضای الهی نیست و انسان در این وادی، مخاطب ندای ﴿فَادْخُلِي فِي عِبَادِي﴾ قرار می‌گیرد. در حقیقت، کسی که وارد این مقام می‌شود، گام به وادی بندگان خالص و خاص خداوند ﷻ نهاده و بهایش نیز بهشت لقای محبوب است. آری! مقام رضا برای عباد اوست و تمام سخن در همین یک واژه است: عبد و بنده او بودن! گویی غایت خلقت بشر، رسیدن به عبودیت و بی‌رنگی در برابر معبود یکتاست؛ ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾<sup>۲</sup>.

چه افتخاری بالاتر از اینکه بهانه خلقت و گل سرسبد آفرینش، پیامبر خوبی‌ها،

۱. الفجر، ۲۷-۳۰: «ای جان آرام‌گرفته و اطمینان‌یافته! (۲۷) به سوی پروردگارت در حالی که در مقام رضا قرار داری و او هم از تو خشنود است، باز گرد. (۲۸) پس در میان بندگانم درآی (۲۹) و در بهشتم وارد شو!»  
۲. البقرة، ۱۲۸: «رنگ خدا را [انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟ و ما فقط پرستش‌کنندگان اویسیم.»

حضرت محمد مصطفی ﷺ، طوق بندگی مولا را بر گردن آویخته و سیر عروج معراج او مزین به وصف بندگی اوست؛ «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ»<sup>۱</sup> و ما همواره در نمازهایمان قبل از اقرار به رسالت حضرتش به عبودیت او شهادت می دهیم: «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

رسیدن به مقام بندگی و ملقب شدن به «العبد»، فقط با یاد او میسر است؛ زیرا اساساً تنها چیزی که قلب انسان را آرام و مطمئن می سازد، یاد اوست: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۲</sup>. هر ذکری جز یاد او، حاصلی جز پریشانی و تلون و تکثر نخواهد داشت. چه بسا زندگی دنیوی انسان روز به روز پیشرفت کند و رفاه بیشتری برایش به همراه داشته باشد اما اشتغالات و تعلقات مادی بر زنگارهای قلب او افزوده و او را از مسیر نیل به محبوب دور و دورتر می گرداند. اینجاست که قلب خسته و ملول او را هیچ کدام از این امور نمی تواند آرام سازد؛ از این رو می توان مدعی شد آرامش مهم ترین گمشده بشر امروز است و تلاش های او زمانی به بار می نشیند که قلب با یاد محبوب آرام و مطمئن گردد.

هریک از اعمال عبادی مانند نماز و روزه و حج و تلاوت قرآن و... مصداقی از یاد الهی است و در این میان، دیدن بندگان خدا که ذاکرین و متذکرین حقیقی هستند، تأثیر بسزایی در بیداری و تنبه قلب دارد. حضور در مجالس ایشان، عمل به توصیه حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام است که فرمود: به دیدار کسی بروید و با کسی همنشینی کنید که شما را به یاد خداوند بیندازد: «قَالَتِ الْخَوَارِئُونَ لِعِيسَى: يَا رُوحَ اللَّهِ! مَنْ نُجَالِسُ؟ قَالَ: مَنْ يُذَكِّرُكُمُ اللَّهُ رُؤْيَتُهُ»<sup>۳</sup>.

در عصر حاضر، حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمته الله از آن بزرگ مردان عارفی بود که نگاه به چهره او و شرکت در نماز و جلسات ایشان آدمی را به یاد خدا می انداخت و حقاً و انصافاً محضر ایشان چیزی جز ذکر الهی نبود و همه این آثار ریشه در عبودیت و بندگی ایشان داشت. محضر آیت الله بهجت رحمته الله و حضور در کنار «العبد»، سراسر حضور در محضر رب جَلَّ جَلَالُهُ بود؛ زیرا او تماماً رنگ خدایی گرفته و چیزی از خود نداشت. مگر بنده چیزی از خود دارد که بخواهد در برابر مولا عرضه نماید؟!

۱. الاسراء، ۱.

۲. الرعد، ۲۸.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۹.

ما انسان‌های خفته در بالین نفس اماره که قلب‌هایمان غبار غفلت و زنگار معصیت گرفته است، می‌توانیم با یاد مردان خدا و افرادی چون آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه، دل‌مان را زنده کنیم.

آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه در دوران حیات مبارکشان جلسات متعددی در وعظ و احیای دل‌ها برپا نمودند. یکی از کسانی که توفیق داشت به خوبی از خرمن وجودی ایشان خوشه‌چینی نموده و از این محضر مبارک به شایستگی استفاده نماید، آیت‌الله محمدحسین رخشاد رحمته‌الله علیه است. کتاب «در محضر آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله علیه» در سه جلد، از اولین آثاری است که پیرامون فرمایشات آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه توسط ایشان گردآوری و تألیف گشته است.

استاد رخشاد رحمته‌الله علیه در مقدمه این کتاب درباره روند تألیف این اثر چنین نگاشته‌اند: «مجموعه‌ای که فراروی شماست، گلچین نکات دلنشین و جذابی است که شیخ‌الفقها و المجتهدین، عارف کامل، عالم ربانی، حضرت آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله علیه در سال‌های متمادی، پیش از درس خارج فقه و اصول و یا بعد از آن، و گاه در اثنای درس - که در منزل شخصی ایشان برگزار می‌شد - بیان فرموده‌اند. این نکات اگرچه انصافاً نکات علمی و حاصل یک عمر مطالعه و تحقیق است ولی در واقع، دست‌مایه‌هایی برای ارائه تذکرات معارفی، اخلاقی و عرفانی است که حضرت استاد رحمته‌الله علیه با تمسک به آن، به هدایت درونی افراد در بُعد عقاید و تخلق به اخلاق الهی در گفتار، رفتار و کردار نظر داشتند. از این رو، به مباحث گوناگون، از مباحث کلامی و عقاید - به ویژه مسئله امامت و علی‌الخصوص مباحث مربوط به حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف - گرفته تا مباحث تفسیری و اخلاقی، گوشه‌هایی از سیره حضرات معصومین علیهم‌السلام، شرح حال عالمان ربانی و... اشاره شده است. از خواننده محترم انتظار می‌رود این مطالب را به دید نکات بصیرت‌زا و پندآموز نگریسته و در هنگام مطالعه به استفاده از آنها در اصلاح خود در زمینه معارف، اخلاق و کردار نظر داشته باشد.

با توجه به اینکه این مطالب برای طلاب درس خارج مطرح شده، نکات به صورت اشاره‌وار و مختصر بیان گردیده و از شرح و تفصیل آن اجتناب شده است. فراز و فرود مطالب به این دلیل است که گاه سطح اطلاعات فراگیران اقتضا می‌کرد

فقط به نکات اصلی بسنده شود و گاه به جهت پند و موعظه، حتی به مسائل سطح پایین - که در سعادت انسان نقش دارد - پرداخته شود. این مطالب، ره توشه‌ای برای همه سطوح است و عدم استفاده همگان از همه نکات، مانع از بهره‌برداری از آن برای دیگر اقشار نخواهد بود.»

این مجموعه بسیار ارزشمند در طول این سال‌ها چندین بار تجدید چاپ شد؛ اما برای استفاده بهتر از بیانات ارزشمند آیت‌الله بهجت رحمته‌الله علیه نیازمند تغییرات اساسی بود. از آنجاکه استاد رخشاد مسئولیت تنظیم و انتشار برخی آثار خود را بر عهده مؤسسه جلوه نور علوی قرار داده‌اند، این مهم نیز به مؤسسه محول گردید. چند تن از فضلاء شاغل در درس خارج حوزه علمیه قم به عنوان هیئت تحریریه مؤسسه، با همکاری و همراهی جناب استاد، توفیق تحقق این امر مهم را داشتند. بدین ترتیب کتاب «در محضر آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله علیه» دستخوش تغییراتی اساسی و گسترده شد و اکنون در قالب یک مجلد در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. مهم‌ترین اقدامات انجام شده در نسخه جدید به شرح ذیل است:

- گزینش و انتخاب مطالب با رویکرد معرفتی و اخلاقی؛
- اضافه شدن مطالبی جدید از میان یادداشت‌های مؤلف (که در چاپ قبلی استفاده نشده بود)؛
- حذف مطالب غیرمرتبط؛
- افزودن توضیحات و اشعاری توسط مؤلف محترم در متن یا پاورقی برای انتقال بهتر مطالب؛
- ترجمه عبارات عربی، اعم از آیات و روایات و...؛
- مستندسازی متون عربی، از جمله آیات و روایات؛
- انتخاب و اختصاص عنوان متناسب برای هر قسمت از مطالب؛
- ویراستاری صوری - فنی متن؛
- فصل‌بندی و تبویب مطالب بر اساس موضوعات مشترک؛ که عناوین و موضوعات هر فصل عبارتند از:
  ۱. مبادی سلوک: مباحثی درباره یاد و ذکر الهی، غفلت، یقظه، توبه؛
  ۲. در مسیر سلوک: پیرامون تهذیب و مبارزه با نفس، علم و تعلم، طلاب و حوزه

علمیه، تبلیغ طلاب و علما؛

۳. حقیقت سلوک: شامل مباحثی چون مراقبه و محاسبه، عبودیت و طاعات،

ترک محرّمات، التزام به شرع انور، تقوا و احتیاط، التزام کامل به دین؛

۴. دستورات سلوک: مشتمل بر مطالبی در خصوص قرآن، نماز، نماز شب؛

۵. نفحات سلوک: توصیه‌هایی درباره ماه‌های رجب، شعبان، رمضان و...؛

۶. لوازم سلوک: پیرامون لوازم سلوک الی الله؛ مباحثی مانند صبر و ابتلا، دعا و

مناجات، تواضع، صمت، خوراک، انفاق، قناعت و شکر نعمت؛

۷. در بستر سلوک: مباحثی پیرامون سلوک اجتماعی؛ مانند برخی از رذائل و

گناهان اجتماعی، فضائل اجتماعی؛ و موضوعاتی مانند ازدواج، خانواده و

تربیت، برخی از وظایف اجتماعی؛ و مباحث مرتبط با جامعه و حکومت؛

۸. غایت سلوک: شامل مباحث بلند معرفتی چون معرفت‌النفوس، ولایت،

توحید، فنا فی الله و لقاء الهی؛

۹. مراحل سلوک: مسائلی پیرامون حقیقت دنیا، مرگ و آخرت؛

۱۰. پیشوایان سلوک: شامل مطالب متنوعی درباره انبیای الهی، وجود مبارک

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرات معصومین علیهم السلام، امامزادگان؛ و مطالب مرتبط با

امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از قبیل دوران غیبت حضرت، انتظار فرج و ظهور؛

۱۱. سالکان طریق معرفت: با محوریت مباحثی پیرامون فضیلت علما، تقوا

و تواضع و فضائل اخلاقی علما، زهد و ساده‌زیستی علما، سیره علمی و

عبادی علما، رویکرد اجتماعی و سیاسی علما.

خداوند متعال را شاکریم که این توفیق را شامل حال ما نمود تا با انتشار این

اثر بتوانیم قدم ناچیزی در راستای ترویج مکتب تربیتی آیت الله سیدعلی آقای

قاضی رحمته الله علیه و شاگردان ایشان برداریم. امید است این نوشتار مرضی رضای صاحب

اصلی آن قرار گیرد.

وَهُوَ الشُّكْرُ الْمَحْمُودُ، وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

مؤسسه جلوه نورعلوی





مبادی سلوک





## ذکر

### معنای یاد الهی

سؤال: معنای جمله «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»؛ «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم»، چیست؟  
 جواب: در برخی تفاسیر، معنای آن این‌گونه ذکر شده است: «أَذْكُرُونِي بِالذِّعَاءِ أَذْكُرْكُمْ بِالْإِجَابَةِ»؛<sup>۱</sup> مرا با دعا یاد کنید، تا من نیز با اجابت آن، شما را یاد کنم. و در روایات شارحهُ مرویه آمده است: «أَنَا مَعَ عَبْدِي إِذَا ذَكَرَنِي فَمَنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي وَمَنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٌ مِنْهُ»؛<sup>۲</sup> «هرگاه بنده ام مرا یاد کند، من با اویم. بنابراین، هرکس مرا در دل خود یاد کند، او را در نزد خود یاد می‌کنم»<sup>۳</sup> و هرکس مرا در میان گروهی یاد کند، او را در میان گروهی بهتر از آن یاد خواهیم نمود.<sup>۴</sup> «ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ»

۱. البقرة، ۱۵۲.

در ذکر شو مأمور او وز ذکر شو مذکور او  
 رنجوری دل را دوا باشد غم عشق خدا  
 ذکرش تو را فکر آورد فکرش غم از دل می‌برد

و انگه نظر کن نور او در صحن در بستان دل  
 درد غمش در نزد ما آمد بهین درمان دل  
 پس ذکر و فکرش می‌شود بهرت گل و ربان دل

کلیات طوطی همدانی، ص ۱۸۷.

۲. المیزان، ج ۱، ص ۳۴۱.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۹۸.

۴. گر به یاد او کنی سر او بسرت یاد

در نهان و آشکارا یاد او کن یاد او کن

کلیات طوطی همدانی، ص ۲۶۱.

غیر ذکر و حرف حق اندر زبان حرفی میار

۵. انس با حق گیر و از غیر خدا بیزار شو

یعنی مَلاً (گروه و جماعت) را به یاد خدا منتفع کند و خود نیز به ذکر خدا منتفع شود، و «ذَكَرْتُهُ فِي مَلٍّ»؛ یعنی «نافعین بذکری له»؛ او را در میان گروهی بهتر از آدمیان یاد می‌کنم؛ به گونه‌ای که آنها از اینکه او را یاد می‌کنم، بهره می‌برند.

### ذکر، بالاترین کمال بشر

ذکر بالاترین کمال برای بشر است. لابد می‌گویید: چگونه بالاترین کمال است؟! کمال کسی که می‌گوید: «یا الله»، با کسی که آن را نمی‌گوید، چه فرقی دارد؟!۱

### رؤیت اغیار، مانع ذکر خدا

منظور از اغیار، مانع از ذکر خداست، همین آدم‌های خوب هستند. البته عده‌ای هستند که ذکر آن‌ها ذکر الله است، بلکه شرطیت دارد «و یزید الذکر تنویراً» «به نورانیت ذاکر می‌افزاید». آیا ممکن است مقصود از «يُذَكِّرُكُمُ اللَّهُ رُؤْيَتَهُ»؟ دیدارش شما را به یاد خدا می‌آورد. «رؤیة الناسی لله»؛ «دیدن غافل از یاد خدا» که مقابل ذاکر خداست باشد؟ خیر؛ «فقها رؤیته و ذکره لله زید فی ذکر الله، فالذاکر لله مذکر رؤیته، لا الناسی له تعالی.»؛ «پس قهراً دیدن و یاد او خدا را، موجب افزایش ذکر خدا برای بیننده او می‌شود، پس رؤیت کسی که ذاکر خداست مذکر (یادآور) است، بر خلاف کسی که از یاد خداوند متعال بی‌خبر است.»

### بی‌حدی ذکر الهی

هر عمل خیری، حدی از آن مطلوب است که اگر از آن حد گذشت، ضدش حاصل می‌شود، یعنی اگر انسان پایین‌تر از حد مطلوب انجام داد قاصر و یا مقصر است، و اگر بالاتر از حد مطلوب بود، به صعوبت مبتلا می‌شود، تا اینکه به حدی می‌رسد که غیر ممکن و غیر مقدور بشر می‌گردد. مانند نماز که بدن انسان طاقت زیاد نماز خواندن را ندارد، و یا مزاحم خیراتی است که به سبب نماز از انسان فوت می‌شوند، به

۱. دل مصفاکن بذکر حق که ذکر حق بود

صیقل مرآت دل تا دل کنی آیینه‌وار

کلیات طوطی همدانی، ص ۱۶۶ و ۱۶۷.

۲. جز ذکر جانان ای فتی! نبود چراغ جان و دل

آری چراغ جان و دل شد ذکر آن جانان دل؛

دیوان طوطی همدانی، ص ۹۲.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۹.

گونه‌ای که دیگر انسان نمی‌تواند آنها را مثل گذشته انجام دهد؛ سایر خیرات و طاعات نیز به جز ذکر الله این‌گونه است؛ چنان‌که در روایت دارد که حدی برای آن نیست.<sup>۱</sup> البته مقصود ذکر لسانی نیست، زیرا در اثر آن نیز اعضا و جوارح انسان به ملالت و ضعف و عجز و سستی دچار می‌شوند، بلکه ذکر الله که حدی ندارد اعم از ذکر قلبی و لسانی، بلکه اعم از ذکر بدنی است، چون تمام طاعات و همه آنچه مرضی خداست ذکر الله است، و این‌گونه ذکر با همه طاعات جمع، و با هر نوع طاعت پیاده می‌شود، نظیر قضای حوائج، ادای واجبات، ادای واجبات، بلکه به جا آوردن مستحبات، که نزد اهلش ذکر الله است، بلکه ترک مکروهات و محرمات هم ذکر الله است. در روایت از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَنْ أَشَدَّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْفِهِ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ثُمَّ قَالَ لَا أَعْنِي سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَإِنْ كَانَ مِنْهُ وَلَكِنْ ذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَحَرَّمَ»؛<sup>۲</sup> «از سخت‌ترین چیزهایی که خداوند بر خلق واجب نموده، ذکر بسیار خداوند است. سپس فرمود: مقصودم سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر نیست، هر چند این‌ها نیز از یاد خداست؛ بلکه منظورم یاد خدا هنگام حلال و حرام او است»؛ یعنی ذکر قلبی محض. آیا واقعا سبحان الله است و اشد تذکیراً است؛ (بیشتر انسان را به یاد خدا می‌آورد) و یا این گفتار حضرت یوسف علیه السلام که: «مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»<sup>۳</sup>؛ «پناه بر خدا! او پروردگار من است و جایگاهم را نیکو قرار داده است و ستمکاران هرگز رستگار نمی‌شوند»؛ بسم الله بفرمایید، کار گذشته بود که قرآن می‌فرماید: «وَهُمْ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»<sup>۴</sup>؛ «حضرت یوسف علیه السلام نیز آهنگ او را می‌کرد، اگر برهان و

۱. در روایت منقول از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَلَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ، إِلَّا الذِّكْرُ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ»؛ «هر چیز حدی دارد که در آن جا تمام می‌شود، به جز یاد خدا که حد مشخصی برای آن وجود ندارد»؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۹۸؛ وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۵۴؛ عدة الداعی، ص ۲۴۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۸۰.

۳. یوسف، ۲۳.

یاد او در دل خود ممتد کن  
راه تو راه خدا خواهد شد  
غیر حق در نظرت می‌میرد  
سیر روح در افلاک کند

ذکر حق بی عدد و بی حد کن  
علقه نفس جدا خواهد شد  
بعد از آن ذکر تو را می‌گیرد  
انس با ذکر تو را پاک کند

۴. یوسف، ۲۴.

یاد او در دل خود ممتد کن

ذکر حق بی عدد و بی حد کن

نشانه روشن پروردگارش را نمی‌دید.» آیا همه‌اش به اختیار او بود، یا خدا حفظ کرد؟ چه کار کرد؟ آیا کاری کرد جز اینکه برهان رب را دید. البته قطعا هزارها کار پیش از آن انجام داده بود تا اسباب برهان رب را در اوقات خلوت تحصیل کرده بود، که در آن موقعیت حساس برهان رب را دید.

### تأثیر ذکر الهی

در ذکر الله و یاد خدا، اهلش می‌دانند که چه اتفاقی می‌افتد. همین قدر خودش، خودش می‌شود، وز یاد او چنان شدم که او شدم؛ چنان‌که خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾؛ «هر چیز جز روی [یعنی: ذات و یا اسما و صفات] او نابود است.» و نیز می‌فرماید: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ...﴾؛ «هیچ کس نمی‌داند که چه چشم‌روشنی‌هایی برای آن‌ها مخفی شده است.» و آیه شریفه ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾؛<sup>۱</sup> «هان! تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرند» به حسب حصر استفاد از تقدیم ما حقه التأخیر، سبب اطمینان و آرامش دل‌ها را منحصرآ ذکر الله می‌داند و از میان اسما هم خصوص الله ذکر شده است. عجب آیه‌ای است که جامعیت و مانعیت دارد! بنابراین، آیا ما که آرامش نداریم، می‌توانیم بگوییم ذاکریم؟! آیا می‌شود تمام بزرگان و علما در دعوی این‌گونه مطالب اشتباه کرده باشند؟! آیا در امور تکوینی این همه اشتباه از عقلا ممکن است؟! اگر ممکن نیست، پس مشاهدات و حالاتی که آن‌ها از مراتب شهود و معرفت ادعا می‌کنند، نیز خطا و اشتباه نیست، بلکه واقعیت دارد، و ما که از حالات و مشاهدات آنها محرومیم نباید منکر آنها باشیم.

### جایگاه ذکر عملی

سؤال: بالاترین ذکر چه ذکر است؟

جواب: بالاترین ذکر، ذکر عملی حضرت حق است.

راه تورا خدا خواهد شد  
غیر حق در نظرت می‌میرد  
سیر روح در افلاک کند

علقه نفس جدا خواهد شد  
بعد از آن ذکر تورا می‌گیرد  
انس با ذکر تورا پاک کند

۱. القصص، ۸۸.

۲. السجدة، ۱۷.

۳. الرعد، ۲۸.

